

# تربیت دینی انباشتن مغز یا روح؟

نویسنده: مریم لبافزادی



هر نظام آموزشی و پرورشی براساس بینش و نگرش بنیانگذاران آن، نسبت به حقیقت انسان و ابعاد وجودی و نیز برحسب اهداف یا اهدافی که از تعلیم و تربیت در نظر می‌گیرد و براساس اعتقادی که به کیفیت رشد و حرکت انسان می‌دهد؛ هرچند آگاهانه مورد توجه واقع نشود یا مورد تصریح قرار نگیرد. همانا تربیت آدمی، امری مهم و حیاتی، عامل شکل دهی به زندگی انسان و کاری نسبتاً عظیم و دشوار است. در سرنوشت سازی برای فرد و جامعه، هیچ عاملی به اندازه تربیت موثر نیست. در سایه تربیت، ایجاد خصال اخلاقی و تربیت نیروی انسانی و ترفیع کیفیت حیات، امکان پذیر می‌شود. انسان‌ها برای ادامه زندگی و زنده ماندن و سازگاری با محیط پیرامونشان چه از لحاظ طبیعی و چه از لحاظ اجتماعی همچنین برای بهره‌گیری از مواهب الهی و رسیدن به کمال مطلوب، نیازمند تربیت هستند. تربیت عامل اجتماعی شدن افراد و انس و عادت به زندگی در بین جمع و قبول ضوابط است. رکن اساسی هر تلاش اجتماعی و صعود و سقوط هر ملتی در سایه تربیت، قابل تبیین است. عامل تربیت از نظر اجتماعی به قدری اهمیت دارد که آدمی را از افتخار به حسب و نسب بی‌نیاز می‌کند. حسب فروتر را پوشانده و احیاناً ننگ و رسوایی آن را از بین می‌برد. تربیت آدمی، تشکیل خانواده و تداوم و بقای آن و برقراری کاهنش جرم و مفاسد در جامعه است. تربیت، عامل فهم و تنظیم رابطه انسان با خداست و راه و رسم این ارتباط را به آدمی می‌آموزد. رابطه خدا و انسان از دید قابل بررسی است؛ یکی رابطه خدا با انسان و دیگری رابطه انسان با خداست. تربیت ما را با خدا آشنا کرده و پایبند فرمان‌ها و تعالیم الهی می‌سازد.

اصطلاح تربیت در مقابل تعلیم نیز به معنای شکوفاسازی و بالفعل رساندن امور بالقوه است. این واژه با دین نیز در ارتباط مستقیم است و تربیت دینی را می‌توان شکوفا نمودن فطرت توحیدی انسان و تجلی آن در عمل عبادی وی در نظر گرفت.

تعلیم و تربیت به آن سبب حائز اهمیت است که همواره انسان را به توجه به آثاری که در این باره نوشته شده، جلب می‌کند. هدف ارسال انبیای الهی از طرف خدای تبارک و تعالی تربیت بشر و انسان‌سازی و تعلیم به انسان‌هاست. تمام کتب انبیا، بخصوص کتاب مقدس قرآن کوشش دارند انسان را تربیت کنند؛ چراکه با تربیت انسان، عالم اصلاح می‌شود. آنقدر که انسان تربیت شده برای جوامع مفید است، هیچ ملانکه و هیچ موجودی مفید نیست. انسان عصاره همه موجودات و فشرده تمام عالم است و انبیاء آمده‌اند که این عصاره بالقوه را بالفعل کنند تا یک موجود الهی بشود. چنانچه انسان اصلاح شود، همه چیز عالم اصلاح می‌شود.

## مفهوم تعلیم و تربیت در اسلام

بحث تعلیم و تربیت، بحث ساختن شخصیت انسان‌هاست و برای بهتر آشنا شدن با مساله تعلیم و تربیت در اسلام باید دید این دین برای آموزش دادن و آگاهی دادن چقدر اهمیت قائل است و به عبارتی دیگر آیا اسلام توجهی به پرورش عقل و فکر دارد یا خیر؟ این همان مساله علم است که از همان قدیم در میان علما مطرح بوده است. نکته دیگری که باید درخصوص آن تحقیق کنیم، این است که آن علمی که در اسلام مطرح شده، همه مقررات پرورشی انسان‌ها را دربر دارد یا خیر؟ و سرانجام انسانی که اسلام می‌خواهد پرورش دهد، چگونه انسانی است؟ از نگاه امام علی(ع)، تنها فراگیری و انباشتن مغز از دانستنی‌ها و بزرگ کردن آئینه ذهن برای منعکس کردن نموده‌های انسانی و جهانی محض، هدف زندگی نیست، اگرچه آن فراگیری گسترش بعد علمی انسان‌هاست؛ اما این

گسترش مجرد ذهن، با میخکوب شدن آدمی در جمود، جز برگشتن به قهقرا هیچ نتیجه‌ای نخواهد داشت. انسان‌ها باید خود را برای تصعید شخصیت آماده کنند. این آمادگی اگر جدی باشد، اولین مرحله تربیت را پیموده است. از دیدگاه حضرت علی(ع) تعلیم و تربیت در مکتب اسلام به دوران کودکی و جوانی منحصر نمی‌شود، اگرچه دو دوران مذکور از نظر شکل‌گیری، حساس‌ترین دوران‌های زندگی آدمی است؛ ولی به این دلیل که اصول و قوانین جاری در اجتماع اسلامی با ارزش‌های روحی آبیاری می‌شود، افراد این اجتماع همواره خود را در یک جریان مستمر احساس می‌کنند.

تربیت انسان باید برای شکوفا کردن روح باشد. آیا در دوره‌های مختلف عمر تأثیر تربیت یکسان است؟ مسلمانان دوره‌ها فرق می‌کند و بعضی دوره‌ها تناسب و موقعیت بسیار بهتری برای شکوفا شدن استعدادها دارد. همین دوره بعد از ۷ سالگی که در احادیث هم به همین مساله ۶ سال اول توجه شده است و حداقل این دوره تا جوانی، دوره‌های بسیار مناسب و مهمی برای شکوفا شدن روح از نظر انواع استعدادها، استعدادهای علمی یا دینی یا استعدادهای اخلاقی است. روحیه انسان در ابتدا حکم ماده سیال قابل انعطاف را دارد، مثل گچ که وقتی ابتدا در آب می‌ریزند، قابل انعطاف و شکل‌پذیر است و بعد محکم و سخت می‌شود. وقتی این ماده انعطاف‌پذیر است، آن را در هر قالبی بریزیم، به شکل همان قالب درمی‌آید. روح انسان در دوران کودکی در حالت قابل انعطافی قرار دارد و مانند همان گچ و آب است که هرچه بزرگ‌تر می‌شود، سفت‌تر و سخت‌تر می‌شود. علمای امروز هم به تربیت دوران کودکی بیشتر اهمیت می‌دهند.

### تربیت در اسلام

تربیت را می‌توان رشد طبیعی و تدریجی و هماهنگی همه نیروها و استعدادهای آدمی دانست. تربیت، ارائه نوعی زندگی است که با ساخت شخصیت انسان مطابقت دارد و بر ارزش‌های معنوی وی مبتنی است. استاد مطهری، تربیت را عبارت از به فعالیت درآوردن استعدادهای درونی که در شیء هست، می‌داند. اسلام اصالت را به تربیت می‌دهد و تعلیم و آموزش را وسیله و مقدمه آن می‌داند. سرشت انسان رو به سوی نیکی و صلاح و خیر دارد و مورد توجه خاص اسلام است. تربیت در این معنا همه قوای بالقوه انسان را به صورت بالفعل درمی‌آورد. برخی از مولفان در تعریف تربیت به ابعاد شخصیت توجه کرده و گفته‌اند تربیت راهنمایی همه جنبه‌های شخصیت فرد یا پرورش کودک در تمام نواحی وجودی وی است. همه جنبه‌ها و تمام نواحی وجود، شامل ابعاد جسمانی و عاطفی، اجتماعی، عقلانی و معنوی شخصیت فرد می‌شود. تربیت می‌تواند شامل کوشش‌هایی شود که به منظور پرورش نوباوگان در مرحله معینی از حیات آنان صورت می‌گیرد و آنان را به سمت رشد و کمال پیش می‌برد. تعریف تربیت در اسلام را می‌توان از طریق بررسی مفاهیم و اصطلاحاتی که در این زمینه در قرآن و حدیث به کار رفته است، به دست آورد. تربیت از نظر لغوی، مصدر باب تفعیل و از ریشه ربو به معنای رشد و نمو و پرورش دادن است. در قرآن ماده تربیت و ریشه آن به کار رفته است و کلمه رب در بسیاری از آیات قرآن به کار رفته و به معنای پروردگار، پرورنده و مربی است.

### مشخصات تربیت در اسلام

اسلام در تربیت چهره‌ای ممتاز دارد، برخلاف نظام‌های متداول تربیتی که فاقد جهت متعالی و هدف الهی است، اسلام دارای زیربنای معنوی و جهان بینی خدایی است و جهان را از مرز تنگ ماده پرستی و طبیعت‌گرایان و زندگی را از تنگنای بی سرانجام از زادن تا مردن که انسان را مانند جانور می‌سازد، فراتر می‌برد و به سوی خدای بزرگ می‌کشانند و توحید را به عنوان فلسفه جهان بینی و معاد را به عنوان فلسفه زندگی مطرح می‌سازد. در بیان مشخصات تربیت در اسلام می‌توان گفت آموزش و پرورش اسلامی براساس متافیزیک و اعتقاد به اصول دین و برنامه‌های انسانیت استوار است و رعایت اصول اخلاقی را ضروری می‌داند. تربیت اسلامی، عقل و علم را ملاک یافتن حقیقت و ضابطه رستگاری تلقی می‌کند و بر دو اصل تزکیه و تعلیم تکیه دارد.

طریقه اسلام برای تربیت عبارت است از رسیدگی همه جانبه به سرشت و فطرت انسان که همه امور را در نظر گرفته و از هیچ چیزی غفلت ننموده. اسلام به تربیت جسم و عقل و روان انسان می‌پردازد و شامل زندگی معنوی و حیات مادی می‌شود و همه فعالیت‌های انسان را دربر می‌گیرد.

اسلام اصالت را به تربیت می‌دهد و تعلیم و آموزش را وسیله و مقدمه آن می‌داند. سرشت انسان رو به سوی نیکی و صلاح و خیر دارد و مورد توجه خاص اسلام است. مشخصات تربیت در اسلام و آنچه در این نظام تربیتی حائز اهمیت است و سبب امتیاز نهادن بدان می‌شود، عبارت است از جامع بودن تربیت، عبادی بودن آن، هماهنگی تربیت اسلامی با فطرت، متکی بودن بر علم و یقین و تزکیه و تعلیم.

آداب و رسوم هر اجتماعی به منزله آیین افکار و خصوصیات اخلاقی آن اجتماع است؛ زیرا این آداب زاینده شده مقاصد اجتماعی شان است و مقاصدشان ناشی از عوامل اجتماعی و طبیعی و تاریخی آنهاست. شاید برخی تصور کنند اخلاق و آداب یکی است، حال آن که چنین نیست؛ زیرا اخلاق عبارت است از ملکات راسخه در روح و در حقیقت؛ وصفی است از اوصاف روح ولی آداب عبارت است از هیات‌های زیبای مختلفی که اعمال صادره از آدمی متصف بدان می‌گردد و نحوه صدور اعمال آدمی، بستگی به صفات مختلف روحی دارد و بین این دو قسم اتصاف و اتصاف روح با اخلاقیات و اتصاف عمل به آداب فرق بسیاری است، پس معلوم می‌شود که آداب ناشی از اخلاق و اخلاق زاینده و از مقتضیات اجتماع است و مطلوب نهایی انسان در زندگی همان چیزی است که ادبش را در رفتار مشخص ساخته و برایش خط مشی ترسیم می‌کند که در کارهایی که به منظور رسیدن به آن مطلوب انجام می‌دهد، از آن خط مشی تعدی نمی‌کند. بنابراین وقتی معلوم می‌شود که ادب در خصوصیاتش تابع مطلوب نهایی در زندگی است، ادب الهی که خدای سبحان، انبیاء و فرستادگانش را به آن مودب نموده همانا هیات زیبای اعمال دینی‌ای است که از غرض و غایت دین حکایت می‌کند و آن غرض چنانچه گفته شد، عبودیت و بندگی است. البته این عبودیت و بندگی در ادیان الهی از جهت کمیت دستورات و همچنین از جهت مراتب کمال که در آن ادیان است، فرق می‌کند.

### محبت محور تربیت در اسلام

رسیدن به مقام محبت، محصول سیر و سلوک و پیمودن راه در مراحل پیشین است و انسان بر اثر آن «حبيب الله» می‌شود. انسان بر اثر تمرین و فاصله گرفتن از هرگونه فریب و امر ناپایدار و دل‌نیستن به غیر خدا، حبيب الله نامیده می‌شود. یکی از مبانی تعلیم و تربیت در اسلام، محبت است. قرآن کریم که معلم و مربی اخلاق است، مهم‌ترین محور فضائل اخلاقی را محبت می‌داند. چنانچه امام صادق (ع) می‌فرمایند: خدای سبحان پیامبر خود را با محبت تادیب و تربیت کرده است، «انالله عزوجل ادب نبیه علی محبته.» کار خدا تادیب است و پیغمبر مودب او و مدار تادیب آن حضرت محبت است. هستی و همه کمالات آن نخست از مولا شروع می‌شود، نه از بنده؛ یعنی این انسان نیست که در عبادت خدا ۳ راه دارد؛ بلکه این خداست که براساس مصلحت با ۳ راه، انسان‌ها را می‌پروراند. خدا عده‌ای را براساس ترس، عده‌ای را براساس بشارت و نشاط و گروهی را براساس محبت تربیت می‌کند.

منبع: روزنامه جام جم